

ملیت‌ها و آداب و رسوم آنان

اسلام در اروپا چهره‌های متعدد و گاه متضادی دارد که این امر ناشی از تحولات متعددی است که در زمینه اجتماعی و سیاسی رخ داده و عوامل دیگری همچون مسائل فرهنگی، ملی یا قومی در آن تأثیر فراوان داشته است. به‌طور کلی دو بخش کاملاً متمایز در اروپا به چشم می‌خورد:

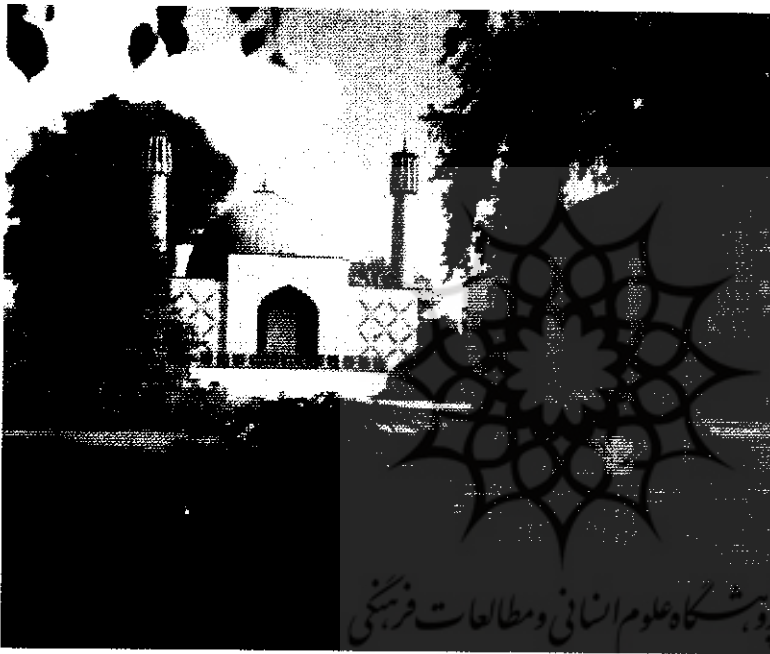
۱. در اروپای شرقی و جنوبی ما شاهد یک اسلام خودآگاه و باسواد هستیم که دارای سنت‌ها و فرهنگ‌هایی هستند که بیش از ۴۰۰ سال سابقه دارد. مسائل ملی در برخی از کشورها با اسلام توأم شده است که در این ارتباط باید به حوادث خونین و وحشتناکی که در یوگسلاوی رخ داده است اشاره کرد.

۲. در اروپای غربی اسلام دین افراد مهاجری است که از کشورهایمانند شمال آفریقا، بالکان، خاورمیانه و خاور نزدیک و آسیا به اینجا آمده‌اند. امروزه وجه و چهره‌ای که از نظر اجتماعی در مورد این قبیل گروه‌های اجتماعی به وجود آمده صرف‌نظر از موارد استثنایی عبارت از آن است که اسلام دین افرادی است که وطن خود را از دست داده‌اند، از فرهنگ کشور خود منقطع شده و از نظر اجتماعی از محرومیت نسبی برخوردارند.

اگر چه در برخی از کشورهای اروپای غربی از قریب ۲۰۰ سال پیش انجمن‌ها و مساجد و اجتماعات اسلامی وجود دارد اما این وضع تغییر چندانی در تصویر کلی که از اسلام وجود دارد نمی‌دهد، در حالی که اتباع اصلی کشورهای اصلی غربی که به اسلام گرویده‌اند از افشار متوسط و یا مرفه جامعه بوده و در زمره گروه‌های تحصیل کرده و با سواد جامعه محسوب می‌شوند. بنابراین باید گفت اگرچه مسلمانان بومی اروپای غربی خود دارای

وجه شایسته و مثبتی در اجتماع بوده‌اند لکن به جهت مهاجرت مسلمانان سایر کشورها و حضور آنان در اروپای غربی وجه و تصویر کلی مسلمانان چندان

کلیسای بزرگ هنوز هم سعی می‌کنند تاریخ اسلام را در آلمان انکار کنند. آنان چنین می‌گویند: «اسلام در دهه‌های گذشته به همراه اتباع خارجی مسلمان و خانواده‌های



پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مناسب نیست. بنابراین باید گفت امروزه غالب مراکز و اجتماعات اسلامی اروپای غربی چهره تعیین‌کننده آن توسط مسلمانان مهاجر ترسیم شده است. از طرفی این موضوع که این افراد به هر حال انسان‌هایی هستند که غیرمسیحی هم می‌باشند بی‌تأثیر نیست. شاید ذکر مسائل زیر موضوع را بهتر روشن کند:

از سال ۱۹۸۴ معلوم گردید که کنگره جهانی اسلام در آلمان از نظر حقوقی جانشین آن سازمان مادری است که از مسلمانان مهاجر پیش از جنگ جهانی به این کشور آمده‌اند. اما قابل توجه است که کارشناسان اسلام‌شناس از جانب دو

آنان به آلمان آمده است و هر چند که اسلام در مسیر آن است که به سوی یک جامعه دینی در کشور ما تبدیل شود ولی همچنان چهره یک ملت و فرهنگ بیگانه را برای خود حفظ کرده است. همین موضوع در پیامی که از طرف کلیساهای پروتستان به مناسبت عید رمضان به عنوان مسلمانان در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۴ داده شد، ذکر شده است.

باید دانست فرهنگ مسلمانانی که به اروپای غربی آمده‌اند هرگز یکسان نیست. به عبارتی آن میراث فرهنگی اسلامی که اکنون در آلمان، اطریش و سوییس مشاهده می‌شود عمدتاً چهره فرهنگ عثمانی را دارد در حالی که غالب مسلمانان ساکن

فرانسه از شمال آفریقا آمده‌اند و مسلمانان ساکن انگلیس از قاره هند و کشور پاکستان هستند. همچنین در کشورهای اسکاتلند، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ ترک‌ها نیز اکثریت را تشکیل می‌دهند، اما این هرگز به این معنی نیست که آنان از نظر فرهنگی در جامعه تعیین‌کننده هستند. در کشور فرانسه مسلمانان از بالاترین حقوق ملی برخوردار بوده و فرهنگ اسلامی خود را تثبیت کرده‌اند. مشابه همین وضع در انگلستان وجود دارد اما این وضع در مورد مسلمانان دیگر کشورهای اروپایی به این‌گونه نیست بلکه موقعیت آنان به علت وجود مقررات مربوط به اتباع بیگانه محدود شده است. به عبارتی می‌توان گفت تدریجاً آنان به عنوان اتباع درجه دوم این کشورها تبدیل شده‌اند.

از نظر اجرای وظایف دینی و مراسم نیز مسلمانان با یکدیگر متفاوت هستند. هر چند ۹۶ درصد از مسلمانان اروپای غربی اهل تسنن می‌باشند، با این‌همه آداب و رسوم آنان به‌طور عمده وابسته به نوع آداب و رسومی است که در کشور خودشان اجرا می‌شود.

در آلمان فدرال می‌توان گفت آداب و رسوم مسلمانان حنفی حاکم است در حالی‌که در فرانسه مالکی‌ها اکثریت را دارند. در اروپای جنوبی کشورهای اسکاتلند، انگلیس و سه کشور هلند، بلژیک و لوکزامبورگ گروه زیادی از مسلمانان شافعی و حنبلی هم مشاهده می‌شوند. بنابراین ما در اروپای غربی با طیف وسیعی از مسلمانان پیرو مذهب تسنن روبرو هستیم. علاوه بر آنها مسلمانان محافظه‌کار و یا بنیادگرا و نیز گروه کوچک‌تری از شیعیان وجود دارند که آداب و سنت‌های خاص خویش را دارند.



رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - آلمان

هشدار جامعه‌شناسان آلمان نسبت به رواج انحطاط

به نقل از سرویس خبرگزاری آلمان، اتحادیه دانشمندان زبان‌شناس آلمان بنام Philologenverband طی پیامی به منظور حفظ آینده جوانان، خواستار مبارزه با خودخواهی، عدم تفاهم و بی‌علاقگی‌ها شد. این اتحادیه اعلام کرد این مسائل از جمله مشکلاتی هستند که ما باید با آن دست و پنجه نرم کنیم و این‌کار فقط از طریق اتخاذ یک سیاست جدید آموزشی و در سطح مدارس میسر است.

آقای دارنر (Durner) در مواسمی که به مناسبت اعطای جایزه مدارس نمونه آلمان در حضور هرتسوک (Herzog) رئیس جمهور آلمان برگزار شد، اظهار داشت در سی سال پیش موضوع اضطرابی بودن وضعیت آموزش و تحصیل در آلمان مورد توجه قرار گرفت و اقدامات جدی برای مقابله با آن انجام گرفت، اما امروزه فقط به صورت لفظی و اظهار نظر زبانی موضوع مطرح می‌شود و از اقدامات جدی خبری نیست. بدین جهت لازم است با اشاره به رقابت‌های بین‌المللی زمینه خلاقیت، نوآوری و اشتیاق در جوانان به وجود آید. وی افزود آنچه امروز در قلب و مغز جوانان ما تپش و درخشندگی ایجاد نمی‌کند فردا نمی‌تواند در سالن‌های طراحی توسط اندیشمندان آلمانی محقق شود.

اتحادیه زبان‌شناسان آلمان نیز معتقد است باید جهت‌گیری امروز دانش، تحقیقات و تکنیک توأم با ابعاد اخلاقی بوده و این موضوع از سطح دبیرستان‌ها آغاز شود. خاصه آنکه طی سال‌های اخیر در اثر اشتباهات، ضعف‌ها و مسامحه‌هایی که در سیاست آموزش مدارس رخ داده اثرات عمیقی را به وجود آورده که باید با تلاش فوق‌العاده معلم‌ها و والدین جبران شود. این اتحادیه می‌افزاید در سیاست

تحصیل و آموزش، تنها مسئله مالی مطرح نیست، بلکه لازم است ایده‌ها، خلاقیت‌ها، اعتماد و حسن‌نیت به کار آفتد. همچنین باید در سیاست پارلمانی این کشور در موضوع آموزش تغییرات اساسی ایجاد شود. این اتحادیه از اینکه گاه اعضاء پارلمان و سیاست‌مداران بر سر مسائل جنبی مانند کاهش مدت تحصیل در مدارس و یا اصلاح خط آلمانی مدت‌های مدید بحث و گفتگو می‌کنند اما نسبت به چگونگی سیاست‌گذاری تحصیلی چاره‌اندیشی نمی‌شود اظهار تأسف کرده است.



رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - آلمان